

## == درختکاری در هنگامه رستاخیز مصیبت‌ها

امسال فراخوان درختکاری نخواهیم داشت. پس از بیست و اندی سال برپا داشتن برنامه درختکاری در همه شرایط جوی، چه در فصل بارش‌های موسمی مصیبت‌ها و چه در فصل تبخیزی که خودمان به زمین افتاده بودیم و سینه‌خیز خویش را جلو می‌کشیدیم، امسال کسی را به درختکاری فرا نخواهیم خواند. نمی‌خواهیم همایش ما فرصت گسترش بیماری را افزون کند. اما ما پیامی که می‌خواستیم بدهیم را داده‌ایم. پیام ما تاب آوردن بیست و اندی ساله در خشکسال شرایط اجتماعی و سرزمینی بوده است. آن خشکسالی که شما در سرزمین می‌بینید ما قعر کویرش را در زمین امیدمان تجربه کرده‌ایم و با این حال تا به امروزش را تاب آورده‌ایم. تاب آوردن محیط‌زیست سرزمین ما و دنیا شدنی نیست مگر این که باور ما، امید ما، همایش ما، همدستی ما و همداستانی ما تاب بیاورند. درختکاری‌های ما نمادین بوده‌اند — نه از این رو که حاصلی در آن درختکاری‌ها نبوده — بلکه چون آن نهالی اصلی که ما می‌خواستیم بکاریم نهال آدم‌های تاب‌آور و امیدوار و داوطلبی بوده است که می‌خواهند فردایی را بسازند که زنده و پایدار و سبز است.

امسال این بیانیه را شاید در خلوت خود و به زیر سقف خانه خود بخوانید، نه این که در زیر سقف آسمان بشنوید، نه با دستانی خاک آلوده، نه از بلندگویی که صدایش در همه‌هایتان گم می‌شد و نه در میانه گروهان دوستان و نهال‌های سبز تازه بر زمین نشانده شده. تجربه‌ای متفاوت است. امیدواریم سال دیگر، اگر بودیم، باز برگردیم به همان سقف آسمان و همه‌هایتان.

«طاقت بیاور هم نفس!»

همین هزار سال اولش سخت است

هزارهٔ دومِ روز دیگری خواهد بود»

این را اُرس گفت

پارسال همین موقع

و امسال سال بیست و چندم از آن هزار سالِ نخست است.

هزارهٔ دوم که بشود

کسی روزگار ما را چنین خواهد نوشت:

«آن سال،

ابرهای مصیبت‌زا سخت‌تر باریدند.

و بیماریِ ویرانگریِ مردمانِ خون‌زمین را بیشتر آلوده بود.

در همهٔ سال، زمین، تب کرده، روی تخت افتاده بود و از پنجره به سیلی که از آسمان می‌آمد می‌نگریست.

رادیو هر روز خبر جدیدی از گم شدن آرزوها، رنگ‌ها، و سایه‌ها می‌داد.

زمین هنگام شنیدن اخبار، همانطور درازکش روی تختش، دستش را بالا می‌آورد به انگشتانش نگاه می‌کرد.

اُرس‌ها، ارغوان‌ها، و بلوط‌ها میان انگشتانش روییده بودند.

کسی خبر نداشت اما او می‌دانست

که آن آرزوهای گم شده در خواب‌زارهای اُرس مشغول بازی‌اند.

رنگ‌های گم شده در آوندهای ارغوان پنهان شده‌اند و در انتظار هنگامهٔ رستاخیز رنگ‌اند.

و سازه‌های سایه، پنهانی، در کارگاه بلوط در حال طراحی شدن هستند.»

هزارهٔ دوم که بشود

کسی از ما در دفترچهٔ خاطراتش خواهد نوشت:

«امروز، زمین به شادباش سلامتی‌اش ما و اُرس‌ها و ارغوان‌ها و بلوط‌هایی که آن سال‌ها  
کاشتیم را میهمان جشن خود کرد.  
و در آن جشن، درختانِ دست‌کاشتمان ما را در آغوش کشیدند،  
اگر چه تن‌های ما دیگر با ما نبودند.»

شهریار عیوض‌زاده

اسفند ۹۸

کارلسکرونا